

گشتی در زندگی متیو پری

کجا بریم؟

■ ۱- متیو پری یکی از کم‌دی‌ترین بازیگران هالیوود که با بازی در سریال دوستان، شهرتی بی‌نظیر برای خودش دست و پا کرد متولد ۱۹ اگوست ۱۹۶۹ است و از سال ۱۹۸۸ وارد دنیای بازی شده.

۲- او به محض خواندن فیلمنامه فیلم فاصله ۹ یاردی عاشق بازی در این فیلم شد به خصوص آنکه بروس ویلیس هم در این فیلم حضور داشت. ۳- او در سال ۲۰۰۰ نزدیک بود جان خود را از دست بدهد اما انگار که معجزه‌ای رخ داده باشد فقط پورشه او قربانی تصادف مهلک شد و به آقای بازیگر آسیبی نرسید. این تنها تصادف او نبوده و پری هنگام جت اسکی سواری هم دچار حادثه شده. ۴- با اینکه متیسو پری از دوران نوجوانی‌اش می‌دانست که در آینده تبدیل به بازیگر بزرگی خواهد شد اما برای بازی در اولین فیلمش – ازدحام نادان‌ها – آنقدر استرس داشت که در روز اول فیلمبرداری حالش به هم خورد.

۵- پری در دنیای تبلیغات هم چهره فعالی بوده او در اوایل دهه ۹۰ به همراه بازیگران سریال دوستان در کلیپ تبلیغاتی پیپسی شرکت کرد. او با بروس ویلیس برای لیگ بسکتبال آمریکا تبلیغ کرد و با مایکل جردن هم در پروژه‌های تبلیغاتی حاضر بوده.

۶- شهرت شخصیت متیو پری در سریال دوستان آنقدر زیاد بود که حتی در کارتون معروف سیمسون‌ها هم ادای او را درآوردند او به چندلر – کاراکترش در دوستان – از یک نظر شباهت داشت و آن علاقه زیاد به سیگار است، نکته جالب اینکه اصلا قرار نبود متیو پری نقش چندلر را بازی کند چون آن زمان درگیر کار دیگری بود اما بعد از تست دادن در سریال دوستان متوجه می‌شود که شباهت زیادی به شخصیت چندلر دارد و خیلی زود صاحب این نقش می‌شود.

۷- در یکی از قسمت‌های سریال دوستان، چندلر مجبور بود نشان دهد که هیچ آشنایی با تنیس ندارد نکته‌ای که باب میل متیو پری نبود؛ چرا که او یک تنیسور حرفه‌ای است و حتی یکی از خانه‌هایش را تنها به دلیل نداشتن زمین تنیس فروخت. او در کانادا موفقیت زیادی در تنیس داشت و در ۱۳ سالگی نفر دوم شهر اوتاوا بود و علاقه زیادی داشت که تنیسش را به‌طور حرفه‌ای در آمریکا ادامه دهد، اما گویا در تنیس آمریکا حرفه‌ای زیادی برای گذتن نداشت.

۸- آخرین دیالوگ مجموعه دوستان، متعلق به متیو پری بود که می‌گوید: «کجا؟» او این کلمه را در پاسخ به جمله یکی از همبازیانش مبنی بر اینکه برویم کافه گفته بود.

۹- پدر متیو پری هم برای خودش یک پا بازیگر است و در چند پروژه پسرش حاضر بوده. او با همسرش – که گوندی تلویزیون و سخنگوی نخست‌وزیر کانادا بود – به مشکل خورد و از هم طلاق گرفتند. مادر متیو از ازدواج بعدی‌اش صاحب چهار دختر شده.

۱۰- متیو پری به زبان فرانسوی مسلط است. او ضمنا عاشق بازی هاکی است و سناتورهای اوتاوا تیم محبوبش در لیگ هاکی است. او آنقدر به این تیم علاقه دارد که در یکی از فیلم‌هایش لباس این تیم را پوشیده بود.

۱۱- شاید باورش سخت باشد اما بازیگری که اینقدر با روحیه مخاطب‌پاش را می‌خواندن یکی از بندهای انگشت وسطی دست راستش را سال‌ها قبل از دست داده باشد. ضمن آنکه پری مدتی را به خاطر اعتیاد در مراکز بازپرسی گذرانده. تغییر وزن و چهره او در سریال دوستان، کاملا مشخص است و تمام این تغییرات به خاطر رهایی او از اعتیاد بوده است. او دوست ندارد زیاد در مورد این موضوع صحبت کند چرا که می‌خواهد شخصیت کمیکش را در مصاحبه‌هایش هم نشان دهد.

۱۲- در سال ۲۰۰۰ گروه بازیگران قراردادی را امضا کردند که بر اساس آن، آنها برای بازی در هر قسمت از این کمدی پرطرفدار ۷۵۰هزار دلار دستمزد می‌گرفتند. این دستمزد در سال ۲۰۰۲ به یک میلیون دلار برای هر قسمت رسید.

۱۳- متیو پری دو کشور دارد. او هم شهروند آمریکاست هم کانادا.

۱۴- او به عنوان جوان‌ترین بازیگر سریال دوستان بعد از بازی در صدمین قسمت این مجموعه گفت: «فکر می‌کنم این تنها کاری در زندگی‌ام باشد که تا حالا صدبار انجام داده‌ام».

۱۵- متیو پری در مقطعی از بازیگری کنار گرفت تا در مقام کارگران پشت دوربین قرار گیرد. او در مورد این موضوع می‌گوید: «قرار نیست که بازیگری را کنار بگذارم. قبلا هم پیشنهادهای مختلفی برای کارگردانی داشتم‌ام اما هیچ سر رشته‌ای از آن نداشت‌م ولی حالا که با آن آشنایی پیدا کردم دوست دارم کارگردانی را تجربه کنم و البته به بازیگری هم ادامه دهم»

۱۶- پری عقیده دارد که جنبه موفقیت را دارد چرا که در جوانی شکست‌های زیادی خورده بود و به همین دلیل ارزش موفقیت را می‌داند.

۱۷- برای او مهم‌ترین چیز هنگام فیلمبرداری تکرار دوباره سکناست است: «چون فیلمبرداری به خاطر خندیدن از کارهای ما تمرکز لازم را نداشته، نتوانسته خوب تصویر بگیرد. اگر این قضیه اتفاق نیفتد حس خوبی نخواهم داشت چون هیچ چیز برای من بهتر از بودن در دنیایی نیست که مردمش سعی کنند هم‌دیگر را بخندانند.»



بهنام تشکر، **سال‌هاست** که بازیگر تاتار است، اما به عنوان یک چهره، بعد از سریال ساختمان پزشکان شناخته شده است با اینکه جواب هوادارانش را با **روی باز می‌دهد**، اما به نظر می‌آید هنوز با این شهرت تازه **اتفاق افتاده** اخت نشده و با شلوغی چندان راحت نیست. برای همین گفت‌وگویم را با همین سوال شروع می‌کنم.

■ ■ ■

■ این طور به نظر می‌رسد که چندان با شهرت راحت نیستید؟
من یک کمی خجالت می‌کشم، البته مردم لطف‌شان را نشان می‌دهند و من هم از این خوشحالم. من حتی رویم نمی‌شود دوستانم که برای دیدن اجرای تئاترم آمده‌اند را ببینم. اگر دست خودم بود، برای معرفی و خداحافظی آخر نمایش یا همان رپورانس نمایش‌ها هم نمی‌آدمم. دوست دارم تماشاگر من را در همان نقش روی صحنه ببیند و تمام شود. همیشه آخرین نفری هستم که برای رپورانس می‌آیم و اولین نفری هم هستم که صحنه را ترک می‌کنم. البته اصلا این طور نیست که کسی به من ابراز محبت کند و من جوباش را ندهم، اصلا ولی خب خیلی با یک سری چیزها راحت نیستم. این اخلاق من است.

■ اما فکر می‌کنم کلا بازیگری یعنی دیده شدن.
من خیلی به این بخش بازیگری فکر نمی‌کنم. **■ پس به کدام بخش آن فکر می‌کنید؟**

به خود بازیگری.

■ خود بازیگری از نظر شما یعنی چی؟

یعنی فن و فنون بازیگری، یعنی اینکه چطور بهتر و درست‌تر بازی کنم. من به جنس بازی و اندازه بازی‌ام فکر می‌کنم و اینکه چطور ابزارهای بازیگری‌ام را پرورش دهم.

■ چه اتفاقی می‌افتد که یک بازیگر مطرح و نسبتا قدیمی تئاتر، که هم تجربه کار سینمایی را دارد، هم دوبله، ناگهان سر از یک مجموعه طنز هر شب تلویزیونی در می‌آورد؟

کار در سریالی اینچنینی یک فرصت استثنایی بود. البته باید بگویم که وقتی این پیشنهاد به من شد، خیلی هول نشدم و دست‌وپایم را گم نکردم و بعد از کلی سرسجیدن و فکر کردن، دلم قرص شد و کار را قبول کردم.

■ قبل از این نقش، پیشنهادی در چنین حد و اندازه‌ای داشتید؟

قبل از این نقش، اول سریالی را بازی کردم به کارگردانی بهزاد فراهانی که سریالی تاریخی و البته معاصر بود. قرار بود آن سریال در ۱۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای تولید شود که البته چند ساعت آن تولید و بعدا به دلایلی منتهی شد. نقش من در آنجا نقش بسیار جدی و حتی کمی خشن بود. کسی که به راحتی آدم می‌کشت و در واقع بسیار آدم ناراحتی بود. این نقش در مجموعه‌ساختمان پزشکان کملا با آن نقش متفاوت بود.

■ بازی در کارهای تاریخی سخت نیست؟

بازی در فیلم‌ها و سریال‌های تاریخی واقعا مشکل است. البته منظورم از مشکل، بازی در این کارها نیست بلکه فراهم کردن شرایط مناسب برای اینچنین تجربه‌ها، دشوار است. من به جز این کار با آقای فراهانی قبلا در مختارنامه هم تجربه کوتاهی در این زمینه داشتم و با اینکه نقشم بسیار محدود بود، از آن بسیار لذت بردم. **■ نوع طنز ساختمان پزشکان، طوری بود که**



بهنام تشکر: کمی خجالتی هستم

بچه‌های تئاتر وسوسه دیده شدن ندارند

نگین درخشان

قبلا هم در کارهای دیگری آن را دیده بودیم. موقعیت‌های طنزی که در اثر برخورد یک آدم باسواد و باشعور با اطرافیان کم سوادتر از خودش به وجود می‌آید. نمی‌ترسیدید که تماشاگر این نوع طنز را که قبلا دیده پس بزند و از آن استقبال نکند؟ خیلی زیاد. اینکه می‌گویم خیلی به خاطر قبول کردن نقشم بود که من می‌ترسیدم به ورطه تکرار بیفتیم. اینکه جنس بازی‌ها شبیه به دیگر کارهای این حیطه باشد. به خاطر همین با وسواس خیلی زیادی به این موضوع فکر کردم. به‌خصوص که نویسنده بسیاری از این کارهای دیگر که گفتید هم خود پیمان قاسم‌خانی بود. از همان اول به سروش صحت گفتم مواظب من باش که اگر جایی نقشم را شبیه کارهای قبلی بازی کردم، متوجه‌ام کنی. سروش صحت هم در تمام این مدت مثل یک عقاب مهربان بالای سر من بود. **■ نیما افشار در مجموعه ساختمان پزشکان کاملا یک شخصیت بود و تیپ نداشت.** این خواست شما بود یا سروش صحت و پیمان قاسم‌خانی؟

نیما افشاری که دیدید، ترکیبی بود از شخصیتی که پیمان قاسم‌خانی نوشت، سروش صحت آن را پرورش داد. من بازی کردم. البته اوایل به تیپ و شخصیت با هم فکر می‌کردم. اما بعد به این نتیجه رسیدیم که قرار دادن این آدم جدی در یک فضای طنز، موقعیت جالب و جدیدی را می‌سازد. البته این بازی من را سخت‌تر می‌کرد.

چون اگر ذهنم درگیر شیطنت می‌شد و به سمت ساختن تیپ می‌رفت، کار خراب می‌شد. یکی دوبار خیلی کوتاه و گذرا این اتفاق افتاد و نیما به سمت تیپ شدن پیش رفت که البته سریع آن را جمع کردیم. تعارض بین این آدم جدی و آن فضای فانتری و طنز مجموعه‌ای را می‌سازد به نام ساختمان پزشکان. البته من اصلا فکر نمی‌کنم که ارزش تیپ‌سازی کمتر از شخصیت‌سازی است. این کملا به این بستگی دارد که کار چه چیزی را می‌طلبد. وگرنه تیپ‌سازی هم چیزی از بازیگری است و اتفاقا هر کسی هم از عهده آن بر نمی‌آید.

■ فکر می‌کنید خودتان از عهده‌اش بر بیایید؟

من توی دو، سه تا از نقش‌های تئاترم این کار را کردم. بنابراین بله، نتوانستم و بعد از این هم می‌توانم. **■ خیلی از بازیگرها برای در آوردن نقش‌های جدی‌شان سراغ مابه‌ازای بیرونی می‌روند، برای کار طنز هم همین‌طور است؟ شما الگوی بیرونی برای نیما افشار داشتید؟**

نه، من هیچ روانشناسی را به خاطر این کار ندیدم. در واقع خیلی امکان اینکه به مطب روانشناسان بروم و روش کار روانشناسان را بررسی کنم را هم نداشت‌م. چون جلسه‌های مشاوره خصوصی هستند. البته دوستان روانشناس زیاد دارم. اما در کل چنین کاری به نظرم خیلی لازم نبود. چون اولاً، بیشتر اتفاق‌هایی که برای نیما می‌افتد به شغلش ربطی ندارد، دوما متن‌های پیمان قاسم‌خانی اینقدر کامل بود که از روی متن پیش برویم و احتیاجی به کارهای اضافی دیگر نباشد.

■ بازیگرهای دیگر مجموعه ساختمان پزشکان، همگی قبلا تجربه طنز داشتند، این شما را نمی‌نرساند؟



عکس: مهرداد پاشایی/شرق

همه فعالیت‌های هنری بهنام تشکر

■ بهنام تشکر متولد بهمن ۱۳۵۵ در بندر انزلی است، لیسانس اقتصاد بازرگانی از دانشگاه فیروزکوه است، متاهل است، حرفه اصلی‌اش تئاتر است، از سال ۷۵ کار در تئاتر را آغاز کرده و چند سال در مازندران فعالیت کرده و پس از آن به تئاتر شهر تهران آمده و فعالیت خود را در آنجا ادامه داده است. وی همچنین کار دوبله را به مدت دو سال در سال ۸۳ انجام داده و از سال ۸۷ نیز گویندگی در رادیو را آغاز کرده است.

تئاتر

-بازی در نمایش «میززافره» نوشته داوود فتحعلی‌بیگی به کارگردانی محمد جوینی - ساری، تالار سلمان هراتی؛ ۱۳۷۷

- بازی در نمایش «معرکه عشق» نوشته و کارگردانی محمد اکبری – ساری، فیروزکوه، بهشهر؛ ۱۳۷۸

- بازی در نمایش «باغی قهرمان» نوشته علی ولی‌زاده به کارگردانی علی دنیوی – ساری، تالارسلمان هراتی، تهران، تالار چهارسو؛ ۱۳۷۷

-بازی در نمایش «سهمی پیش از مردار» نوشته و کارگردانی علی دنیوی ساروی – ساری، تالارسلمان هراتی؛ ۱۳۷۷

-بازی در نمایش «هاه زندگان» نوشته علی دنیوی ساروی به کارگردانی آفتشین رشیدی – ساری، تالار سلمان هراتی، سمنان، تالار آفتاب؛ ۱۳۷۹

- بازی و کارگردانی در نمایش «خرس» نوشته آنتوان چخوف – ساری، تالار سلمان هراتی؛ ۱۳۸۱

-کارگردانی نمایش «خواستگاری» نوشته آنتوان چخوف – ساری، تالار سلمان هراتی؛ ۱۳۸۱

-بازی در نمایش «الگوش» به کارگردانی منیژه محمدی – تهران، تالار سنگلج؛ ۱۳۸۲

-بازی در نمایش «چند کاپریس برای ویلون» به کارگردانی محمودضارحیمی – تهران، تئاتر شهر، تالار خورشید؛ ۱۳۸۲

-بازی در نمایش «سکوبار شاه» به کارگردانی «رامین سیر دستنی» (اجرای پایان نامه) – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۳

- بازی در نمایش «روزهای زرد» به کارگردانی ایوب آقاخانی – تهران، تئاتر شهر، تالار سایه؛ ۱۳۸۳

- بازی در نمایش «مردی که گلی به دهان داشت» به کارردانی مریم بالالی‌مقدم (اجرای پایان نامه) – تهران، دانشگاه سوره؛ ۱۳۸۳

- بازی در نمایش «رویای بسته شده به اسبی که از پا نمی‌افتد» به کارگردانی آروند دشت‌آزای – تهران، تئاتر شهر، کارگاه نمایش؛ ۱۳۸۴

- بازی در نمایش «ژولیوس سزار به روایت کلیوس» به کارگردانی کیومرث مرادی، تهران، تئاتر شهر، تالار چهارسو؛ ۱۳۸۴، هند، دهلی نو و کلکته ۱۳۸۵

-بازی در نمایش «سه خواهر» (به کارگردانی «محمودضارحیمی» – تهران، تئاتر شهر، تالار نو؛ ۱۳۸۴ – بازی در نمایش «حکمت» به کارگردانی آرش دادگر – تهران، تئاتر شهر، تالار نو؛ ۱۳۸۴

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «هوسرا» نوشته امانوئل روبلس به کارگردانی زاهدپور – تهران، خانه هنرمندان؛ ۱۳۸۳

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «سانتاکروز» به کارگردانی هما روستا – تهران، تئاتر شهر، کافه تریا؛ ۱۳۸۳

-بازی در نمایش «بلخند باشکوه آقای گیل» نوشته اکبر رادی به کارگردانی هادی مرزبان – تهران، تئاتر شهر، تالار اصلی؛ ۱۳۸۶

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «هوسرا» نوشته امانوئل روبلس به کارگردانی زاهدپور – تهران، خانه هنرمندان؛ ۱۳۸۳

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «سانتاکروز» به کارگردانی هما روستا – تهران، تئاتر شهر، کافه تریا؛ ۱۳۸۳

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «مگس‌ها» نوشته ژان پل سارتر به کارگردانی محمد پویا – تهران، خانه هنرمندان؛ ۱۳۸۴

- کارگردانی و بازی در نمایشنامه‌خوانی «دختر یانکی» نوشته نیل سایمون – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۴

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «خون» نوشته لارس نوزن به کارگردانی افسانه ماهیان – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۴

-بازی در نمایش «رستگاری در شب دور» نوشته طلا معتمدی به کارگردانی نسیم ادبی – (جشنواره رضوی) تهران، تالار سایه؛ ۱۳۸۵

-بازی در نمایش «دعوت» به کارگردانی زهرا صبری – تهران، انره تئاتر؛ ۱۳۸۳

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «کلیوس» به کارگردانی توفان مهردادیان – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۴

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «مگس‌ها» نوشته ژان پل سارتر به کارگردانی محمد پویا – تهران، خانه هنرمندان؛ ۱۳۸۴

- کارگردانی و بازی در نمایشنامه‌خوانی «دختر یانکی» نوشته نیل سایمون – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۴

-بازی در نمایشنامه‌خوانی «خون» نوشته لارس نوزن به کارگردانی افسانه ماهیان – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۴

-بازی در نمایش «رستگاری در شب دور» نوشته طلا معتمدی به کارگردانی نسیم ادبی – (جشنواره رضوی) تهران، تالار سایه؛ ۱۳۸۵

-بازی در نمایش «دنیای دیوانه دیوانه دیوانه» نوشته و کارگردانی بهزاد فراهانی – تهران، تئاتر شهر، تالار اصلی؛ ۱۳۸۵

-بازی در نمایش «ژولیوس سزار به روایت کلیوس» نوشته شکسپیر، اقتباس نغمه نمینی به کارگردانی کیومرث رادی – هندوستان، دهلی نو-کلکته؛ ۱۳۸۵

-بازی در نمایش «طنباب می‌زنی عزیزم» (جشنواره باغون) نوشته فارس باقری به کارگردانی بهرام تشکر – تهران، تالار مولوی؛ ۱۳۸۶

-بازی در تله تئاتر «میهمانی درندگان» به کارگردانی رشید بهنام – شبکه چهار؛ ۱۳۸۶

فیلم و مجموعه تلویزیونی

-بازی در مجموعه تلویزیونی «مروارید سرخ» به کارگردانی مسعود رسام – شبکه پنج؛ ۱۳۸۴

-بازی در مجموعه تلویزیونی «عصای پیبری» به کارگردانی شاپور قریب – شبکه سه؛ ۱۳۸۴

-بازی در سریال «هختارنامه» به کارگردانی داوود میرباقری – ۱۳۸۴

-بازی در سریال «مثل همیشه» به کارگردانی وحید حسینی – شبکه یک؛ ۱۳۸۴

-بازی در فیلم کوتاه «تو استاپ» به کارگردانی ناصر صفاریان – ۱۳۸۲

-بازی در سریال «تا صبح» به کارگردانی مجید جوانمرد- ۱۳۸۵

-بازی در مجموعه تلویزیونی ساختمان پزشکان به کارگردانی سروش صحت- ۱۳۹۰